

تسلیح اخلاقی

از : سعید موقر

باقتضای ترقیات سربمی که در دو قرن گذشته در صنایع و کارگاهها پدیدار گشت روابط خاصی را بین طبقات کارگر و کارفرما بوجود آورد. این روابط که نظم نوینی را بوجود می آورد طرز تفکرات مختلف و احیاناً متضادی را بر میانگیخت و تشنجات شدیدی را ایجاد میکرد: پیدایش مرامهای سرمایه داری و اشتراکی و سوسیالیزم مظاهر این تفکرات و این اختلافات است.

اشکال اساسی در اینست که علوم و فنون و صنایع از جنبه های فنی و مادی سرعت شگفتی رو بترقی گزاید ولی از طرف دیگر متأسفانه اصول معنویات و اخلاقیات نه تنها بهمان نسبت مدارج ترقی و تعالی را نه پیمود بلکه بجزمت میتوان گفت که اصول معنویات در برابر مادیات سیر نزولی را پیش گرفت و با انحطاط گزاید: شمشیر دادن بکف زنگی مست مفهوم همین مدعا است: سرمایه داران زنگیان مست و از خدا بخیرانی بوده اند که شمشیر بر نده سرمایه را بکف گرفته بیرحمانه بر بیکر زبردستان و کارگران و زحمتکشان فرود می آوردند و از خون این بیچارگان چهره خود را کلگون میگردانیدند، این گروه سازمانی بس نیرومند بنام مرام سرمایه داری بوجود آوردند تا در بناه آن از تعرض محرومان و مظلومان بدور باشند.

از طرف دیگر طبقات کارگر و رنجبر که فرآورده های کشتزارها و کارگاهها نتیجه دسترنج آنهاست از اینکه آلت معطله مطامع بیکران سرمایه داران باشند و بس و خود از نعمتهای گوناگونی که برای دیگران فراهم میآورند بی بهره باشد، آنها مظلوم برند و دیگران زر، در عذاب بودند و در صدد چاره جوئی بر آمدند تا اینکه سنگری بنام کمونیزم احداث کردند و در آن سنگر قرار گرفتند و اعلام جنگ طبعاً علیه استثمارگران در دادند و مردانه پای آن ایستاده اند.

ایندو نظریه مختلف که باقتضای منافع طبقاتی و بسنظور مسائل مادی در جهان متبدن کنونی پدیدار گشته طبقاتی نتوانسته و نمیتواند دردهای اجتماعی را درمان بخشد و اختلافات طبقاتی را از میان بردارد و طرفین را

بسوی صلح و صفاویاری و همکاری سوق دهد: این جنگهای خونین طبقاتی، این ناخشنودیها، این زد و خوردها و کشمبها این تشنجات و اختلافات و این سیر نزولی اخلاقی و تدنی معنوی معلول همین دو نظریه متضاد اجتماعی است: این دو نظریه دو جنبه افراط و تفریط حل مشکلات اجتماعی است. کارگر مدعی است:

که چون اوست که در زیر آفتاب سوزان تابستان و برف و باران جانگناه زمستان رنج میبرد و جان میکند و محصول بدست می آورد بچه علت باید این دسترنج خود را در طبق اخلاص بگذارد و در درست با کمال ادب و محرومیت تقدیم ستمگری طباع و مغرور و بی ادب و عیاش کند، کار فرمای طباع از پر خوری ورم کند و بترکند ولی کارگر و کشاورز گرسنه و برهنه جان سپارد و دم بر نیارد. البته کارگر کار فرما را در این صورت متعدی بحقوق حقه خود می داند و او را دشمن میدارد و بر علیه او قیام و اقدام می کند و بجنگ وجدال می پردازد.

کار فرما چگونه استدلال می کند؟

کار فرما میفرماید: این نیروی فکر است، نه نیروی بازو، که برپهنه جهان متمدن حکومت می کند، در عرصه زندگی اگر زور آزمایی تنها با بازو بود پس باید پیل و کر گدن و گاو میش بر انسان حکومت کند، نه انسان بر آنها. چون عملانیروی بازو محکوم نیروی فکر است پس کارگر هم باید مطیع و منقاد کار فرما باشد: کار فرما است که هواپیماراباوج آسمانها پرواز میدهد و زیر دریائی را در دل اقیانوسها روانه میدارد و کشتی را بر سینه دریاها میفرستد و قطار را برپهنه زمین ها بحرکت درمی آورد و از دل زره ای نیروی اتم استخراج می کند، پس باید نیروی فکر و نیروی استعداد و ابتکار و لیاقت بر نیروی بازو حکومت کند.

کارگر در سنگر کمونیزم پناه برده و بر علیه کار فرما اعلان جهاد داد و کار فرما در دژ سرمایه داری قرار گرفته و ببارزه پرداخته است: این دو گروه مولد ثروت اکنون بر علیه هم صف آرائی می کنند و با هم سخت در ستیزند این تشنجات و اختلافات و این بیرحمی ها و برادر کشی ها و این انقلابها و اختلالها ناشی از جنگ بین دو گروه است.



اینک نیروی سومی با بر ص و وجود گذارده و وعده داده که این اختلافات

را از میان بردارد و بین کارگر و کارفرما آشتی دهد و بیجنگهای طبیقاتسی پایان بخشد و همه را برادری و برابری دعوت نماید و جهانی نوین و آرام پدیدار سازد که تا ابد صلح و صفاد در آن حکمفرما باشد و همه خوشنود و قانع باشند و همه خوشبخت و سعادتمند باشند و آن انجمن تسلیح اخلاقی است .



دکتر بوخمن

مؤسس این انجمن آقای دکتر بوخمن است که به «درویش فونگی» نامیده شده، نژاد آسویستی ولی تبعه آمریکا است و اساس تعلیمات او بر چهار اصل کلی قرار دارد، از اینقر اول صلح مع علوم انسانی

محبت مطلق - امانت مطلق - صفای مطلق - بیغرضی مطلق .
دکتر بوخمن معتقد است که اگر اجتماعات از اینچهار اصل کلی صمیمانه و صادقانه پیروی کنند تمام اختلافات بین افراد و طبقات و اجتماعات و اقوام و ملل و نژادها و کشورها مرتفع خواهد شد و همه دست دوستی و محبت و یگانگی بهم خواهند داد و در راه سعادت نوع بشر همه باهم تشریک مساعی خواهند فرمود و جهانی نوین و خوشبخت و آباد و آزاد پدیدار خواهند ساخت.

تاریخچه تأسیس این انجمن دروش مرام آنها را بشماره های بعد موکول می کنیم .